

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان مقاله تألیفی : شناخت رفتارهای نابهنجار و پرخاشگرانه در دانش آموزان و ارائه
برخی راهکارها در جهت اصلاح رفتار آنها

نویسنده و محقق : راضیه احمدی

آموزگار پایه ششم

مجتمع آموزشی پویندگان میرداماد

روانشناسی دانشی است که به بررسی رفتار و فرآیندهای روان انسان می پردازد، پس باید از یک سری اصول علمی پیروی کند و این اصول علمی نیاز به مطالعه دارد.

معلمان نیاز دارند در طول دوران فعالیت خود مطالعه کنند و علم خود را به روز کنند و مهارت های تخصصی خود را بالا ببرند، بنابراین یکی از کارهای مهمی که ما معلمان باید انجام دهیم مشاهده ی رفتار کودکان است و چون یک فرآیند روانی است و ذهنی می باشد، نشان می دهد که ما با ذهن و فعالیتهای ذهنی دانش آموزان خود در ارتباط هستیم.

رفتارهای ناهنجار، منفعلانه و توهین آمیز وسیله ای رفتاری است که فرد به وسیله ی آن خواستار به دست آوردن هدفی دیگر است و قصد حمله به دیگران یا اذیت کردن آنها را ندارد، البته در این میان ممکن است لطمه ای نیز به کسی وارد شود. مثلاً شخصی که دست به انجام اقدامات پرخاشگرانه می زند تا به این وسیله مورد تشویق و تأیید گروه همسالان قرار گیرد، یا جنبه ی انتقام گیری داشته باشد.

ما باید از مراحل رشد طبیعی و غیر طبیعی کودکان آگاهی داشته باشیم، شاید از نگاه ما بعضی رفتارها خیلی طبیعی است، اما در نهایت از نگاه یک روانشناس مشخص می شود که این روند طبیعی است یا خیر؟ شناخت ناهنجاری های رفتاری و نارسایی های یادگیری اگر به موقع انجام نشود، شاید در بزرگسالی و بعد از سن دبستان، قابل جبران نباشد.

شناخت ناهنجاری ها هرچه زودتر تشخیص داده شود، ریشه ی رفتارهای غلط، مشکلات مربوط به یادگیری، بیش فعالی و اوتیسم. اضطراب قابل حل خواهد بود.

آموزش و پرورش جدید صفحه ای از یادگیری های متقابل از همه رسانه ها، افراد و تأثیرات فرهنگی همه جوامع است. خیلی از دانش آموزان از کوچکترین وقایع جهان و محیط خود آگاه می شوند و انتظارات خاص از آنها دارند، پس در چنین شرایطی تغییر اصلاح رفتار تابع درک عمیق علل رفتار است، متأسفانه به دلیل شیوع بیماری همه گیر کرونا این مسأله شدت بیشتری پیدا کرده و باعث بروز رفتارهای ناهنجار و پرخاشگرانه و افت تحصیلی شده است.

اینجانب به عنوان آموزگار تلاش نموده ام تا از رفتارهای نابهنجار و پرخطر تعدادی از دانش آموزان خودم جلوگیری کرده و در این مقاله برخی از راهکارهای خود را ارائه داده ام.

رفتارهای پرخاشگرانه ای مثل گستاخی از شایعترین اختلالات رفتاری انسان است. درصد زیادی از مشکلات رفتاری دانش آموزان تحت عناوین مختلف به پرخاشگری مربوط می شود.

پرخاشگری عبارت است از رفتاری که هدف آن صدمه زدن به خود و نه دیگری می باشد.

در این تعریف قصد و نیت فرد مهم است یعنی رفتاری پرخاشگری محسوب می شود که از روی قصد و عمد برای صدمه زدن به دیگری یا به خود انجام گرفته باشد.

اعمال پرخاشگرانه شامل رفتارهای جسمی و کلامی پرخاشگری نظیر تهدید کردن ، مشاجره لفظی و همچنین ویرانی دارایی است. امری که فرد به عنوان عکس العمل از خود بروز می دهد به گونه ای است که باید گفت مناسب عمل و یا رفتار طرف مقابل نیست.

یکی از عوامل بازدارنده در امر تحصیل ، اختلالات رفتاری است. معلمان در برابر اختلالات رفتاری به شکل ای متفاوتی از خود عکس العمل نشان می دهند. برخی آنان را به شدت سرکوب می کنند و برخی دیگر آنان را به حال خود رها می کنند ؛ اما واقعیت این است که در این حالت مشکل ادامه خواهد یافت و مشکلات دیگری نیز به دنبال خواهد آورد.

به نظر من راه منطقی این است که وقتی مشکلی در کلاس پیش می آید ، بهتر است ابتدا آن مشکل شناسایی شود ، سپس آن مشکل به صورت علمی مورد بررسی قرار گیرد و بعد از آن راه حل هایی جهت رفع مشکل پیدا کرد و به صورت عملی آن مشکل رفع گردد .

خشونت دانش آموز بستگی به عوامل زیادی دارد و صرفاً نمی توان این مشکل را متوجه یک عامل کرد. عامل ارثی ، محیطی و زیست شناختی و عوامل هورمونی تأثیرات پیچیده ای دارند که هر کدام می تواند منجر به بروز رفتارهای پر خاشگرانه شوند، اما در این میان، خانواده ها با نقش مؤثر خود، موجبات آرامش و کنترل خشم و یا تشدید خشونت دانش آموز می شوند.

یکی از عوامل مهم بروز خشونت در دانش آموز «الگوسازی» است که دانش آموز تمایل دارد از افرادی که دوستشان دارند ، الگو برداری رفتاری کند ؛ به همین علت از پدر یا مادر یا از هنرپیشه های تلویزیون یا کارکتر بازی ها یا امثال آنها الگو می گیرند و طبیعی است که الگوهای خشن، او را به تقلید خشونت دعوت می کند.

فروید معتقد است که پر خاشگری امری غریزی و فطری است و انسان از هنگام تولد این نیرو را با خود به دنیا می آورد. طبق نظریه فروید اصل و مبنای پر خاشگری می تواند غریزی باشد و وجود چنین نیرویی در جهت صیانت ذات یا نظام خلقت هماهنگی و سازش دارد و تنها نحوه ی بروز آن در جامعه است که تحت تأثیر عوامل تربیتی - اجتماعی می تواند متفاوت باشد.

من در ابتدا رفتارهای دانش آموزان پر خاشگر را زیر نظر گرفته و به دقت با جزئیات مشاهده می کردم و یادداشت برداری های روزانه را با ذکر نوع پر خاشگری نوشته و چک لیست ها را کامل می کردم ، مثلاً وقتی روز اول سال تحصیلی از فراگیران خود خواستم ، خودشان را معرفی نمایند، وقتی به یک دانش آموز پر خاشگر رسیدم ، متوجه شدم با صدای بلند و خنده خود را معرفی نمود که با این کار دانش آموزان را متوجه خود سازد یا وقتی دیگران خود را معرفی می کردند، به شکلی آنها را مسخره می کرد یا با دانش آموزان دیگر دعوا می کردند و ناسازگاری داشتند و دائماً از آنها نزد من شکایت می کردند یا مخلّ نظم کلاس بودند یا صدای حیوانات را در می آوردند یا بداخلاق، مغرور ، از نظر درسی ضعیف ، بی حوصله بودند .

نتایجی که با تحقیق و مصاحبه و چک لیست ها به دست آوردم این بود که ، روابط والدین با آنها غلط بوده یا معلمان به آنها توجه لازم نکرده اند و تفاوت های فردی رعایت نشده بود .

من با خود فکر می کردم که مشکل را چگونه می توانم حل کنم؟ در واقع من خودم را چگونه تغییر دهم تا رفتارهای دانش آموزان پرخاشگر تغییر کند ، پس کتابهای روانشناسی اختلال های رفتاری ، روانشناسی رشد و روابط انسانی و افت تحصیلی که در این زمینه انجام شده بود و جزوات و نکات ارزشمند از اساتید بزرگوارم را مورد مطالعه قرار دادم و با تحقیق و صحبت و جست و جو ، راهکارها را در کلاس خود اجرا کرده و نتایج مثبتی را با لطف ایزد منان تا کنون رسیده ام.

نتیجه گیری و اظهار نظر محقق :

اگر دانش آموزان در مدرسه نظم و انضباط را رعایت کنند ؛ نتیجه ی آن مسئولیت پذیری آنها خواهد بود. این دانش آموزان با رعایت حقوق تمامی افراد و برخورد های منطقی با مخالفین و احترام متقابل می توانند راهگشای بسیاری از مشکلات و کشمکش های موجود در داخل اجتماعات انسانی باشند. اگر به دانش آموزان بی انضباط و یا کم فعال مسئولیتی را بدهیم و اجازه دهیم آن را تجربه کنند، قطعاً این دانش آموزان از نظر انضباطی بهبودی پیدا خواهند کرد. به نظر من این کار مستلزم فرآیند آزمایش و آزمون و خطا است. این مسئولیت ها باید از کوچک شروع شود و پس از آنکه دانش آموز از خود قابلیت ایفای مسئولیت را نشان داد ، مسئولیت های مهم به او داده شود. دانش آموز با احساس مسئولیت پذیر ، به بحث و تصمیم گیری و مشارکت در امور می پردازد و محیط بهتری را برای آموزش فراهم می کند. رابطه ی نظم و انضباط با مسئولیت پذیری رابطه ی متقابل دارد.

به نظر من آموزش شنا خواندنی نیست ، باید تمرین عملی کرد. باید به بچه ها کار و مسئولیت سپرد ، حتی اگر آن کار را ناقص انجام دادند ، آنان را تشویق کرد.